

عنوان مقاله: هم‌خانگی؟ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران

نویسنده‌گان: تقی آزادارمکی* محمدحسین شریفی ساعی مریم ایثاری سحر طالبی*

منبع: جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان، ۱۳۹۱، صص ۴۳-۷۷

• در چند دهه اخیر، الگوی روابط جنسی در جهان تغییرات فراوانی داشته و اکنون نیز جامعه ایران با تحولات چشمگیری در ارزشحوزه ها و باورهای جوانان روبه روست. تحقیقات نشان میدهد که رابطه جنسی پیش از ازدواج در ایران در حال افزایش است. یکی از گونههای جدید روابط پیش از ازدواج بین دختر و پسر، روابط مبتنی بر «همخانگی» است که در کلانشهرهایی چون تهران رو به افزایش است.



• این الگو، به زندگی مشترک دو شریک جنسی بدون ازدواج با یک دیگر اشاره دارد. هدف این تحقیق کیفی، پاسخ به این سؤال بوده است که سوزن‌های فعال در این روابط، چه معنایی برای کنش خود قائلاند و همچنین چه شرایط بسترساز اجتماعی، در بروز و ظهر این روابط در ایران نقش داشته است. در این تحقیق، با ۲۱ نفر از پسران و دخترانی که روابط همخانگی را تجربه کرده‌اند مصاحبه شده است

شرایط بسترساز اجتماعی

• یافته‌های پژوهش نشان میدهد که هم‌خانگی محصول فرایند تجدد ایرانی و گسترش جهانیشدن و ورود آن به ایران است؛ فرایندهایی که ابتدا با تغییر اوضاع اقتصادی و فرهنگی (نظام ارزشی (جامعه، بهتدریج، تغییرات اجتماعی متفاوتی را در داخل کشور پدید می‌ورند. نتیجه این تغییرات اجتماعی، که خود برآمده از تحولات اقتصادی و فرهنگی سالهای اخیر است، پیدایش الگوهای هم‌خانگی در میان برخی از جوانان کشور بوده است.

•

فرایند
تجدد

کلیدواژه ها:

- روابط جنسی پیش از ازدواج، تغیرات اجتماعی، تغیرات اقتصادی، بازاندیشی، نظریه زمینهای، همخانگی

مقدمه

- مطالعه تحولات ایران از تغییرات اجتماعی گستردهای در سالهای اخیر خبر میدهد. امروزه، فاصله بین «بلغ جنسی» و «بلغ اقتصادی» در ایران به بیش از ده سال رسیده است؛ فاصلهای که روزبهروز در حال افزایش است. این در حالی است که ازدواج تنها راه مشروع رابطه جنسی در ایران است و اکنون این راه موانع بسیاری در پیش دارد. در حال حاضر، در ایران بیش از دوازدهمیلیون جوان در سن ازدواج اند که هنوز ازدواج نکرده‌اند. مشکل بیکاری جوانان از اساسی‌ترین مسائل سالهای اخیر در ایران بوده است؛



• مسئله‌ای که خود زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات دیگر شده است. امروزه، در ایران، معضل بیکاری و شفافنبوذ آینده آنچنان واهمهای در دل جوانان ایجاد کرده است که بسیاری از آنان، تحصیلات عالیه دانشگاهی را به مثابه تنها روزنه امید برای رسیدن به شغل مناسب و مطمئن انتخاب می‌کنند؛ غافل از آن که این تصمیم انتخاب گزینه بدتر در دوراهی چاله و چاه است

شغل مناسب و مطمئن

• چراکه طبق گزارش‌های رسمی دولت، بیکاری فارغالتحصیلان دانشگاهی در ایران دهبرابر بیکاری غیر دانشگاهیان است و ظرفیت بخش‌های اداری کشور به «**فوق اشباع**» رسیده است. این در حالی است که تعداد دانشجویان در سال‌های اخیر (۱۳۹۱-۱۳۸۴) بیش از دوباره شده و در سال ۱۳۹۱ با بیش از چهار میلیون دانشجو در کشور مواجهیم. نتیجه این امر، گسترش ناامیدی جوانان از یافتن شغل درخور و، در پی آن، ناامیدی از ازدواج در سن مناسب بوده است (لطیفینیا، ۱۳۸۸) احساس شکستی که با پیدایش حالتهای آنومیک همراه شده است (رفاعپور، ۱۳۷۸؛ افقی و صادقی، ۱۳۸۸)



• از سوی دیگر، تغییرات ارزشی در سالهای اخیر نیز بر مناسبات اجتماعی در ایران تأثیرگذار بوده است؛ تغییراتی که تبعات متعددی برای جامعه به همراه داشته است. ورود و گسترش رسانه‌های ارتباط جهانی، مانند ماهواره و اینترنت، در ایران سبکهای زندگی متفاوتی را آفریده و ارزشهای گوناگونی را شکل داده است. در این میان، با بغرنج شدن مسائل اقتصادی، افزایش سن ازدواج، و همچنین ورود ارزشهای جهانی از طریق ابزارهای جدید ارتباطی، بهتدریج، رفتارهای جدیدی نیز در میان جوانان ایرانی شکل گرفته که از مهمترین آنها، گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج است (گرمارودی و دیگران، ۱۳۸۸؛ خلجآبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹).

سبکهای زندگی متفاوت

• هرچند، روابط پیش از ازدواج در ایران با انگیزه‌های گوناگون و در قالب الگوهای متفاوتی صورت می‌پذیرد (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱) در این میان، یکی از افراطیترین شکلهای روابط پیش از ازدواج پیدایش الگوهای «همخانگی» است؛ الگویی از رابطه که ریشه‌های عمیق غربی دارد و ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی میانه قرن بیستم در این کشورهاست. حال، در این تحقیق، به دنبال پاسخ به این سؤال بوده‌ایم که افرادی که وارد این روابط شده‌اند چه معنایی برای رفتار خویش قائلاند و از طرف دیگر، چه مسائل اجتماعی زمینه‌های لازم را برای شکلگیری این روابط در کشور فراهم کرده است

•

پیدایش همخانگی و تحولات آن در نقاط متعدد جهان

- در چند دهه اخیر، نهاد «خانواده» در جهان تحولات گسترده‌ای داشته است؛ تحولاتی که ریشه‌های آن را باید در «انقلاب جنسی» (sexual revolution) اوخر دهه ۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی و امریکایی جستوجو کرد. (Levi Martin, 1996; Carr, 2011) انقلابی که بهتدریج به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرشها، اخلاق، و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی منجر شد (LaDuke, 2006: 17). یکی از مهمترین نتایج انقلاب جنسی در غرب، گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج (premarital sex) در این کشورها. (Legkauskas and Stankeviciene, 2009; Regnerus and Uecker, 2011) بوده است روابطی که، بهتدریج، نقاط دیگر جهان را نیز فراگرفت (Utomo, 2002; Ghuman et al., 2006). این انقلاب، با اسطوره‌زدایی از رابطه جنسی، آن را به امری عادی و معمولی تبدیل کرد که بهراحتی در «قبل از ازدواج» دستیافتنی است

• در این دوره، ارضای «نیاز جنسی» از اتکا به «ازدواج» جدا شد، اما گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج زمینه را برای تغییرات تعیینکننده بعدی مهیا کرد و در این میان، نه تنها به تدریج سن ازدواج را افزایش داد که زمینه‌های اجتماعی لازم را برای پیدایش الگوهایی چون همخانگی فراهم کرد. تغییرات اجتماعی در این دوره جنبهٔ رادیکالتری به خود گرفت.

•

• در اوایل انقلاب جنسی، هر چند بهتدریج سن ازدواج در اروپا و امریکا افزایش یافته بود، با این حال، بسیاری از افراد همچنان ازدواج میکردند؛ منتها با اندکی تأخیر، اما این همه راه نبود و انقلاب جنسی، با گسترش الگوهای همخانگی، ضربههای سختتری را این بار نه صرفاً به اسطوره روابط جنسی، بلکه به خود ازدواج وارد کرد. پیدایش الگوهایی از رابطه با جنس مخالف که آن را از سطح مناسبات جنسی پیش از ازدواج نه تنها به سطح عاطفی، بلکه به «زنده‌گی مشترک بدون ازدواج» میان آنها ارتقا داد؛

انقلاب جنسی

• الگویی از رابطه که روزبهروز بر طرفداران آن افزوده میشود (Bumpass and Lu, 2000). در این میان، جدا از مسائل اقتصادی، تغییرات ارزشی نیز در شکلگیری این روابط نقش داشتهاند. یکی از علل گسترش همخانگی، تضعیف بنیانهای فلسفی ازدواج در کشورهای غربی بوده است. امروزه، در نظر جوانان این کشورها، دو مفهوم «تعهد به زندگی با یکدیگر» (commitment to live together) و «تعهد به ازدواج» (commitment to marriage) تفاوت کمی با هم دارند

تعهد به زندگی با یکدیگر

تعهد به ازدواج

• در حالی که در دهه ۱۹۶۰ در همه کشورها، هم خانگی امری بسیار نادر و کمیاب بود (Blossfeld and Timm, 2003) امروزه در سراسر اروپا و امریکا، به خصوص در میان نسلهای جوانتر، به طور چشمگیری در حال پذیرش و افزایش است (Ermisch, 2005; Mills, 2000; Thornton et al., 2007; Corijn, 2001; Kiernan, 2002; Kiernan, 2004a; Bramlett and Mosher, 2002; Wu, 2000; Thomson and Colella, 1992; Haskey, 2001; .). در دهه ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم خانگی زندگی میکردند، اما این آمار در دهه ۱۹۸۰ به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید (Spanier, 1985) و در اواخر دهه ۱۹۹۰ از مرز ۴ میلیون گذشت (Seltzer, 2000). این در حالی است که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در امریکا در قالب هم خانگی با یکدیگر زندگی میکنند

• همچنین نتایج تحقیقات نشان میدهد بیش از نیمی از زنانی که در امریکا ازدواج کردند، پیش از آن، رابطه همسانگی را با همسر فعلی خود تجربه کرده بودند (Goodwin et al., 2008, Kennedy and Bumpass, 2010). این تغییرات گویای آن است که، در چند دهه اخیر، واقعهای مهم در این جوامع روی داده است. تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی در پی آن، بسیاری از معادلات را برهم زده است. با گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، در کشورهای متعدد جهان، به تدریج «سن ازدواج» (marriage age) در این کشورها افزایش یافت؛ اما، با گسترش همسانگی، «تعداد ازدواجها» (marriage rate) نیز کاهش چشمگیری یافت؛ چراکه همسانگی، به شکل رقیبی جدی، در مقابل ازدواج قد علم کرده بود

•

تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی

Bernhardt Prioux and Mazuy, 2009; Pla and Beaumel, 2010; Desplanques, 2008) ; .(and امروزه، ازدواج در حال تضعیف و همجانگی در حال تقویت شدن است. Moors, 2003 Sardon). and Robertson, 2004 به طور مثال، شاخصها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان میدهند. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا ۵۰ سالگی، از بالای ۹۵ درصد در سال ۱۹۶۵ به کمتر از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. در مقابل، میزان همجانگی در کانادا، رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان میدهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است (Bourdais and Lapierre, 2004). در قاره آقیانوسیه نیز همجانگی رو به افزایش است؛ به طوری که در استرالیا از ۱۶ درصد در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده است

امروزه، ازدواج در حال تضعیف و
همجانگی در حال تقویت شدن است

• این تغییرات، به امریکای شمالی و اقیانوسیه محدود نمانده و اروپا نیز روندهای مشابهی از آن را تجربه کرده است. هرچند هم‌خانگی در اروپا پدیده جدیدی نیست و قبل از انقلاب جنسی دهه ۱۹۶۰ نیز به علل گوناگون در برخی جوامع اروپایی یافت میشد، در آن زمان، عملی غیر قانونی، مشمول مجازات، و البته نادر بود.

• کیرنان (Kiernan, 2001) در مقاله خود نشان میدهد که در دورهای اولیه پیدایش همانگی غالباً افراد فقیر، که توانایی ازدواج نداشتند، وارد اینگونه روابط میشدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهمترین علل شکلگیری آن بود. عدهای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط میشدند. به طور مثال نیو - هرتس (Nave-Herz, 2000) از آلمان گزارش میدهد که بعد از جنگ جهانی دوم، در این کشور، زنان میانسال بعد از طلاق یا مرگ شریک زندگی خود، غالباً همانگی را به ازدواج مجدد (remarriage) ترجیح میدادند

• چون نمیخواستند حقوق دوران بیوگی (widow's pension) آنها، که دولت پرداخت میکرد، قطع شود، اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد، در اروپا، این بار نه صرفاً افرادی با شرایط اجتماعی خاص بلکه گروههای متفاوتی از مردم به سمت این شکل از رابطه‌ها رفتند و، به تدریج، هم‌خانگی در میان بیشتر طبقات و گروههای اجتماعی رواج یافت (Carmichael, 1995) در این میان، فرایند تغییر نگرش به ازدواج و شیوع روزافزون هم‌خانگی پذیرش قانونی این روابط را نیز با خود به همراه آورد. به طور مثال امروزه در یازده کشور اروپایی هاز هم‌خانگی، به مثابه یک رابطه قانونی، حمایت می‌شود و در کشورهای دیگر این قاره نیز، هرچند این روابط قانونی نشده است

• با آن برخوردي هم نميشود؛ به طوري که در بسياري از کشورهای اروپايی، زوجها همخانه (cohabiting couples) به موازات زوجهای ازدواجکرده (married couples) با هم زندگی ميکنند و حتی صاحب فرزند ميشوند. با اين حال، تغييرات خانواده در سراسر اروپا به طور يکنواخت رخداده است، بلکه در ۵۰ سال اخير، روند اشاعه آن از شمال اروپا به سمت جنوب در حرکت بوده است (Hoem, 1995; Roussel, 1992; and Prinz, 1995). گسترش همخانگی در اروپا، که در ميانه Hoem, 1988 دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، در مرحله اول در شمال اين قاره و در کشور سوئد به وقوع پيوست (Trost, 1978; Trost, 1979) و پس از مقبوليتی که در اين کشور پيدا کرد، در مرحله دوم، گسترش بيشتری يافت و در دهه ۱۹۷۰ به کشورهای مرکز اروپا مانند فرانسه، اتریش، سوئيس، آلمان، هلند، و انگلستان اشاعه يافت. سپس، در مرحله سوم از حيات تاريخي خويش، در اوائل دهه ۱۹۸۰ به جنوب اروپا و کشورهایی چون اิตاليا، پرتغال، اسپانيا، ويونان انتقال يافت.

رفتاری بهنجار و پیش پاftاده

• به این ترتیب، همخانگی در اروپا با درنوردیدن سرزمینهای گوناگون، بهتدریج، از رفتار انحرافی و نابهنجار به رفتاری بهنجار و پیش پاftاده تغییر معنا داد. در این بین، روند تاریخی و تدریجی اشاعه همخانگی در اروپا، سطوح متفاوتی از تأثیرات را نیز در این کشورها با خود به همراه داشته است؛ مثلاً همخانگی در شمال و مرکز اروپا، به سبب تقدم تاریخی آن، رواج بسیار بیشتری در برابر جنوب اروپا دارد.

• این روابط، در مرکز و جنوب اروپا، از ۸۰درصد در فرانسه تا ۱۰درصد (Dalla De Sandre, 2000; Zuanna, 2004) در ایتالیا در نوسان است (Heuveline and Timberlake, 2004) این در حالی است که در کشور سوئد، در شمال اروپا، که پیشتر اول همجانگی در این قاره است، بیشتر جوانان، همجانگی را به ازدواج ترجیح میدهند و به تعبیر تروست: «جوانان در سوئد، همجانگی را به جای ازدواج انتخاب نمیکنند؛ آنجا فقط همجانگی وجود دارد»

- گسترش هم خانگی در کشورهای غربی، به مثابه شکل جدیدی از خانواده، مهمترین تغییر در الگوهای خانواده در ۵۰ سال اخیر بوده است (Nazio, 2008: 3) امروزه، در غرب، معمولاً از دو نوع عمده هم خانگی یاد می شود: «هم خانگی پیش از ازدواج» (premarital) و «هم خانگی بدون ازدواج» (non-marital cohabitation) هم خانگی بیشتر مرحله ای مقدماتی و آزمایشی است برای رسیدن به ازدواجی بهتر؛ اما، در الگوی دوم، هم خانگی اساساً (Murrow and Shi, 2010; Rhoades et al., 2009)

• ازدواج را به حاشیه رانده و خود بر مسند آن نشسته است. هم‌خانگی پیش از ازدواج به «تأخیر» ازدواجها انجامید و هم‌خانگی بدون ازدواج، به «انکار» آن. از طرفی، در الگوی اول، هم‌خانگی‌ها کوتاه‌تر و، در الگوی دوم، طولانی‌تر است. (Perelli-Harris et al., 2011) به همین سبب، هم‌خانگی پیش از ازدواج کمتر به فرزندآوری منتهی می‌شود (Booth, 1996; Brown and Blossfeld). به عکس، در الگوی هم‌خانگی بدون ازدواج، فرزندآوری بهوفور یافت می‌شود. (and Mills, 2001) هم‌خانگی بدون ازدواج، که شکل تعیین‌قیافته و پیشرفتۀ هم‌خانگی است، در کشورهای شمال اروپا مانند سوئد، دانمارک، و همچنین بخش‌هایی از امریکای شمالی مانند کانادا رایج است. هم‌خانگی پیش از ازدواج نیز ویژگی بسیاری از کشورهای مرکز و جنوب اروپا و شکل غالب در ایالات متحده امریکاست



• به طوری که امروزه بسیاری از ازدواجها در امریکا ابتدا با همجانگی آغاز میشود (Casper and Bianchi, 2001; Smock, 2000). البته، روند تغیرات در الگوهای موجود نیز نشان میدهد که با گسترش و پذیرش هرچه بیشتر همجانگی در کشورهای مرکز و جنوب اروپا و همچنین ایالات متحده الگوهای همجانگی پیش از ازدواج در این کشورها نیز به سرعت به سمت الگوهای همجانگی بدون ازدواج در حال تغیر است؛ روندی از تشدید تغیرات، که در آینده، تأثیرات مهم و طولانی مدتی را در ساختار این جوامع خواهد گذاشت. (Smock and Manning, 2004; Manning and Smock, 2002; Mills and Trovato, 2000)

•

الگوهای همجانگی

• اما امروزه، همجانگی نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته (developed countries) که حتی در کشورهای در حال توسعه (developing countries) نیز در حال فراگیرشدن است (Esteve et al., 2012) استیو و همکارانش (Bumpass and Lu, 2000; Kiernan, 2004b) از امریکای لاتین گزارش میدهند که همجانگی در کشورهای این بخش از جهان نیز در چند دهه اخیر گسترش چشمگیری یافته است؛ مثلاً، در برزیل، در سال ۱۹۷۰ فقط ۷ درصد از جوانان رابطه همجانگی داشتند اما در سال ۲۰۰۰ این رقم به نزدیک ۴۰ درصد رسیده است. با این حال، این همه ماجرا نیست؛ چراکه میزان همجانگی در برخی کشورهای دیگر این منطقه، حتی رشد شدیدتری را نشان میدهد. استیو و همکارانش در مقاله خود نشان میدهند که همجانگی در آرژانتین و ونزوئلا، در سال ۲۰۰۰ به حدود ۵۰ درصد رسیده است و در کشورهای کوبا و کلمبیا نیز، امروزه، بیش از ۶۰ درصد جوانان رابطه همجانگی دارند.



• در این بین، سونامی همخانگی و تغییرات الگوی خانواده، هرچند دیر، ولی به آسیا هم رسیده است. فرایند جهانیشدن، گسترش سرمایه‌داری، و اشاعهٔ فرهنگی ارزش‌های مناطق دیگر همخانگی را به آسیا نیز کشاند. ریمو و همکارانش (Raymo et al., 2009) از ژاپن گزارش میدهند که همخانگی در این کشور در سالهای اخیر افزایش یافته است. بیش تر این رابطه‌ها کوتاه‌مدت و مقدمه‌ای برای ازدواج است. بر اساس گزارش سازمان پژوهشی National Institute of Population and Social Security Research، () وابسته به دولت ژاپن (در طول یک دوره ۲۰ ساله، میزان تجربهٔ همخانگی از ۳ درصد در سال ۱۹۸۷ به ۸ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش داشته است، اما نتایج تحقیقات محققان دیگر نشان میدهد که میزان همخانگی در ژاپن فراتر از برآوردهای پیشین بوده است.

سونامی همخانگی و تغییرات الگوی خانواده

• ایوسا (Iwasawa, 2005) و تسویا (Tsuya, 2006) در تحقیقی از زنان ۲۰ تا ۳۴ ساله در ژاپن، به این نتیجه رسیدند که نزدیک به ۲۰ درصد پاسخگویان هماکنون رابطه همجانگی دارند. در فیلیپین نیز روند مشابهی از افزایش همجانگی مشاهده میشود. براساس گزارش ویلیامز و همکارانش (Williams et al., 2007) بیش از ۵/۲ میلیون زوج در فیلیپین رابطه همجانگی دارند. عامل عمده شکلگیری همجانگی در این کشور فقر و مشکلات اقتصادی برای ازدواج بوده است. نتایج تحقیقات دیگر در کشورهایی چون تایلند، سنگاپور، هند، و برخی کشورهای دیگر آسیا نیز نشان میدهد که هرچند در این کشورها میزان همجانگی از کشورهای اروپایی و امریکایی بسیار کمتر است، با این حال، روند رو به رشدی در سالهای اخیر (Jampaklay and Haseen, 2011; Kabamalan, 2004; Jones, 2004 د)

• نتایج تحقیقات بالا گویای آن است که انقلاب جنسی و اشاعه آن به نقاط گوناگون جهان، ابتدا، با تغییر نگرشها به روابط جنسی پیش از ازدواج، گسترش کمی آن را در میان جوانان فراهم و در مرحله بعد، با افزایش تنوع این روابط، زمینههای شکلگیری همخانگی را در کشورهای متعدد مهیا کرده است. این همه، در حالی است که نتایج تحقیقات در ایران نیز نشان میدهد که رابطه جنسی پیش از ازدواج در حال افزایش است (سلیمانیا و دیگران، ۱۳۸۴؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۶؛ گرمارودی و دیگران، ۱۳۸۸؛ خلجآبادی فراهانی و مهرسیار، ۱۳۸۹؛ Mohammad et al., 2007; Mahdavi, 2008).¹ براساس تحقیقات کشورهای دیگر، شکلگیری الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج مقدمهٔ پیدایش الگوهای همخانگی در آن کشورها بوده و، بهتدریج، زمینههای لازم و اولیه را برای پیدایش و پذیرش آن فراهم کرده است. به عبارتی، با گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج در جامعه، دیر یا زود، باید منتظر ظهور

• الگوهای همخانگی نیز بود. هرچند نتایج تحقیقات جدیدتر نشان میدهد که با افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج، در سالهای اخیر، بهتدربیج شاخصهایی از همخانگی نیز در ایران، شکل گرفته است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱،) اما در این میان، مطالعهٔ نحوهٔ پیدایش و تداوم اینگونه روابط، از موضوعات حساس و عموماً مغفول در امر سیاستگذاری و مطالعات آکادمیک در ایران است و جامعه‌شناسی ایرانی فقر شناختی شدیدی دربارهٔ این موضوع حساس و شناخت ابعاد گوناگون آن دارد؛ موضوعی که تأثیرات متعددی در نهاد خانواده و آسیبهای اجتماعی مرتبط با آن میگذارد که همین امر ضرورت این تحقیق را نمایان میکند

•

امر سیاستگذاری و
مطالعات آکادمیک

روش شناسی تحقیق

- با توجه به اینکه هدف این تحقیق بازسازی معنایی رفتار کنشگران در زمینه روابط جنسی نامتعارف‌شان در جامعه بوده، روشناسی کیفی به منزله روشناسی غالب و روش نظریه زمینه‌ای (Grounded Theory (G.T)) برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها انتخاب شده است. روش نظریه زمینه‌ای روش پژوهش «استقرایی» و «اکتشافی» است. تحقیق اکتشافی کیفی نه برای آزمون فرضیه، که روشی برای تولید آن است؛

• بنابراین، این تحقیق فاقد فرضیات اولیه است. در این نوع روش، که مبتنی بر رهیافت فهم تفسیری است، در ک جهان اجتماعی از نقطه نظر سوژه های بررسی شده و معنایی که آنها به دنیای اجتماعی و واقعیات برساخته خود میبخشند هدف اصلی و بنیادی پژوهش است (در این تحقیق، از Creswell, 2003; Creswell, 2003؛ در این تحقیق، از Wolcott, 2009؛ در این تحقیق، از Depoy and Gitlin, 2005؛ در این تحقیق، از Atkinson et al., 2005؛ در این تحقیق، از Punch, 2005؛ در این تحقیق، از گردآوری اطلاعات، استفاده شده است 2007 بهمنزله روش گردآوری اطلاعات، استفاده شده است

• منطق نمونهگیری در تحقیقات کیفی میدانی، منطق نمونهگیری هدفمند (purposive sampling) است که در روش نظریه زمینهای با نمونهگیری نظری (theoretical sampling) از نظریه زمینهای با نمونهگیری نظری (theoretical sampling) ترکیب میشود. نمونهگیری نظری بر اساس مفاهیمی صورت میگیرد که در خلال تحلیل ظهور میابند و در این محقق از رویدادها، افراد یا واحدها بر مبنای سهم بالقوه آنها در توسعه و آزمون سازهای نظری مطالعه شده نمونهگیری میکند. این نوع نمونهگیری خصوصیت انباشتی دارد و مبتنی بر نمونهای قبلی است

•
•
خصوصیت انباشتی

• برای یافتن افراد مورد مطالعه در این تحقیق از تکنیک «نمونهگیری گلولهبرفی» (snowball sampling) یا «نمونهگیری زنجیرهای» (chain sampling) بهره گرفته شده است. این تکنیک نمونهگیری غالباً در موقعیتهايی کاربرد دارد که محقق با جمعیتهاي پنهان مواجه است و پاسخگویان را نمیتواند شناسایی کند.

• روند نمونهگیری در این تحقیق بدین صورت بود که بعد از یافتن چند نمونه اول، از طریق شبکهای روابط اجتماعی، همان نمونهها، پس از مصاحبه و فرایند جلب اعتماد، رابط و واسطی می شدند برای دستیابی به نمونهای مراحل بعدی و، به این ترتیب، زنجیرهای از نمونهای متفاوت با معرفی نمونهای مراحل قبلی به دست آمد. درنهایت، با استفاده از معیار اشباع نظری (theoretical saturation) درباره تعداد نمونهها تصمیمگیری شد

- براساس این معیار، زمانی که محقق به این نتیجه برسد که تعداد بیشتر مصاحبه‌ها اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمیگذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، گردآوری اطلاعات را متوقف میکند (Kvale and Brinkmann, 2009)

• در این روش نمونهگیری، تعداد افراد مصاحبهشونده یا، به عبارت دیگر، حجم نمونه به اشباع نظری.(Strauss and Corbin, 1998: ۲۹۲) سؤالات برای گردآوری اطلاعات در این تحقیق، محققان با افرادی تماس برقرار میکردند که در زمینه موضوع پژوهش اطلاعات یا تجربه مناسب و نسبتاً کافی داشته باشند. در این مطالعه، با هدف گردآوری اطلاعات لازم، از دختران و پسرانی که رابطه همخانگی را تجربه کرده بودند مصاحبه های متعددی گرفته شد. پس از انجامدادن ۱۸ مصاحبه عمیق و نیمهساختیافته، اشباع نظری حاصل آمد اما، برای اطمینان بیشتر، مصاحبهها تا نفر بیستویکم ادامه یافت. ع بازه سنی سوژهها بین ۲۶ تا ۳۷ سال بود



• اما درباره روش نظریه زمینهای باید گفت که فعالیت اساسی در این رویکرد، در حوزه تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌شود. تکنیکهای استفاده شده در این رویکرد باعث تمایز آن از سایر رویکردها می‌شود. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینهای بر مبنای **سه شیوه** کدگذاری است:

- ۱- کدگذاری باز (open coding)
- ۲- کدگذاری محوری (axial coding).
- ۳- کدگذاری انتخابی (selective coding) (Corbin and Strauss, 2008)

• کدگذاری انتخابی یا گزینشی فرایندی است تحلیلی که طی آن دادهها تفکیک، مفهومبندی، و یکپارچه میشوند؛ به گونهای که بتوانند نظریه نهایی را شکل دهنند. در فرایند کدگذاری، واحد تحلیل «**مفهوم**» است (Strauss and Corbin, 1998; Neuman, 2006) در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمدی؛ و در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله هسته (core category) استخراج میشود؛ مقولهای که بر اساس آن، نظریه ساخته میشود. این مقوله باید قدرت تحلیل داشته باشد و دیگر مقولات را نیز در خود جای دهد (Strauss and Corbin, 1998: 123).

- کدگذاری گزینشی، مستلزم بررسی دقیق دادهای و کدهای دو مرحله Neuman, 2006: 71; Walsh, 1998: 23) chereiber and Noerager, 2001: 71; Walsh, 1998: 23) هسته، سایر مقولات حول مقوله محوری، در قالب یک مدل پارادایمیک، ترسیم میشوند. این مدل، در حقیقت، همان نظریه زمینهای یا نظریه مبتنیبر دادههاست

•
مدل پارادایمیک

۴- یافته‌ها

• سؤال اصلی این تحقیق این است که مشارکتکنندگانی که الگوهای نوین خانواده (همخانگی) را پذیرفته‌اند چه معنای ذهنی برای کنشهای خود قائلاند و همچنین چه مسائلی زمینه شکلگیری این روابط را در فضاهای شهری برای آنان فراهم کرده است؟ همانطور که در جدول امشخص است، در مرحله کدگذاری باز سطح اول، بیش از بیست مفهوم اولیه استخراج شده‌اند که مهمترین آنها آمده است.



• در مرحله کدگذاري باز سطح دوم نيز، از ميان مفاهيم اوليه، چهار مفهوم که جامع مفاهيم پيشين بودند انتزاع شدند و، درنهایت، اين چهار مفهوم نيز به دو مقوله عمده انتزاع یافتند. سپس در مرحله کدگذاري محوري، مقولات استخراج شده، بر اساس پيوستار و منطق معنائي در قالب خط داستان با يك ديگر در ارتباط قرار گرفتند و، درنهایت، در مرحله کدگذاري گزينشي، يك مقوله محوري هسته استخراج شد. مقوله هسته - محوري اين مطالعه، «تنظيمات اجتماعي در حال گذار» بوده است

مقوله هسته - محوري

• جدول ، شامل مفاهیم اولیه و ثانویه، مقولات عمدی، و همچنین مقوله هسته است که در خلال خرد - تحلیل (microanalysis) مصاحبهها استخراج شده‌اند. مفاهیم و مقولات این جدول، بیانگر مفاهیم، ایده‌ها، نگرشها، معانی، و شرایط زمینه‌سازی است که سوژه‌ها را به سمت شکلدهی الگوهای نوین خانواده و روابط پیش از ازدواج سوق داده است. مفاهیم فوق، در حین نمونه‌گیری نظری بهدست آمده‌اند که پس از دنبال‌کردن آنها به اشباع نظری رسیده‌اند. این مفاهیم و مقولات، در مرحله کدگذاری محوری، در قالب یک خط داستان، به هم مرتبط می‌شوند

•

اشباع نظری

جدول ۱. مفاهیم، مقولات، و مقوله هست

| مقوله هست | مقولات عمدہ | مفاهیم (کدگذاری باز سطح دوم) | مفاهیم (کدگذاری باز سطح اول) |
|-----------|-------------|---|--|
| مقوله هست | مقولات عمدہ | تغیرات اقتصادی تغیرات فرهنگی تغیرات برون ساختار (جهانی شدن) ورود خناصر توسعی | گسترش نظام سرمایه‌داری افزایش ناامنی شغلی بازاندیشی؛ آرمان‌زدایی از مت پیدایش ارزش‌های جدید افزایش ارزش استقلال و آزادی فردی لیرالیسم اخلاقی احساس آنوسی شکل‌گیری گرایش‌های روش فکر اند الگوهای جدید همسایه ورود رسانه‌های جهانی (ماهواره، اینترنت) افزایش امکانات ارتباط شخصی و پنهان (تلفن همراه، چت، اس ام اس) آموزش مادرن (گسترش دانشگاه‌ها) کلان شهرنشیی و فرصت گستاخی |

| | | | |
|--|-----------------------|----------------|---|
| | | | ۱۴. ورود دختران به عرصه‌های اجتماعی (دانشگاه و محیط کار) ۱۵. تسهیل روابط دختر و پسر ۱۶. افزایش سن ازدواج ۱۷. افزایش طلاق ۱۸. کاهش کنترل خانواده بر فرزندان ۱۹. شکاف نسلی ۲۰. شبکه گروههای دوستی سوزه |
| | تغیرات درون ساختار | تغیرات خانواده | |

۴، ۱ تغییرات اقتصادی: ورود سرمایه‌داری و پیدایش نامنی شغلی

• افزایش خصوصیسازی ناشی از گسترش سرمایه‌داری و لیبرالیسم اقتصادی در ایران، از عوامل عمدهٔ بسیار ساز در بروز الگوهای رفتاری جدید در جامعه بوده است. با فرایند خصوصیسازی در کشور، نه تنها «بیکاری»، که مسئلهٔ «نامنی شغلی» (job insecurity) هم در سالهای اخیر چشمگیر شده است. نامنی شغلی چیزی فراتر از مسئلهٔ بیکاری است و به شاغلانی نظر دارد که آیندهٔ شغلی خود را ناپایدار احساس می‌کنند. لازمهٔ ازدواج داشتن استقلال اقتصادی و ثبات شغلی است؛

• امری که امروزه هیچ اطمینانی به آن نیست و همین امر، زمینه‌های شکل گیری رفتارهای جنسی نامتعارف را فراهم کرده است. یکی از شاخصه‌های مشاغل ناپایدار، گسترش «قراردادهای موقت» کاری است. این وضعیت، در سازمانهای اقتصادی ایران روز به روز فراگیرتر می‌شود. امروزه، قراردادهای کوتاه‌مدت کارفرمایان را مخیر می‌کند با اندک هزینه‌ای، و گاهی حتی بی هیچ هزینه‌ای، هر زمان که بخواهد کارمندان خود را از کار بیرون کنند. در این میان، پیدایش الگوهای نامن اقتصادی، با ایجاد آیندهای مبهم، قدرت ریسک سوژه را پایین آورده سن ازدواج را در او بالا می‌برد و، در پی آن، الگوهای دیگری را برای ارضای نیازها پیش روی او می‌گذارد

پیدایش الگوهای نامن اقتصادی

• افزایش نامنی شغلی با فرایند جهانیشدن اقتصاد مرتبط است؛ فرایندی از تغییرات که اقتصاد رقابتی را به سراسر جهان و همچنین درون بسیاری از کشورها کشانده است. جهانیشدن چون تیغ دولبهای است که هم، در سطح کلان، موجب افزایش ثروت در کشورها میشود و هم، در سطح خرد، باعث کاهش امنیت روانی سوژه‌های اجتماعی از آینده شغلی خود میشود. سرمایهداری با ایجاد اقتصاد رقابتی، امنیت را نه ظقط از کارمندان و کارگران، که حتی از مدیران و کارفرمایان هم ستانده است. امروزه، کمتر کسی میتواند از آینده شغلی خود با قطعیت سخن بگوید. از این روست که، به تعبیر گیدنر، تجدد با نبود قطعیت پیوند یافته است

•

کاهش امنیت روانی سوژه‌های
اجتماعی

• در گذشته، اقتصاد دولتی (با همهٔ نواقصش)، به سبب غیررقابتی‌بودن، امنیت روانی می‌آورد؛ این نظام شاید پیشرفت چندانی نمی‌کرد، اما شکست فردی را هم به ارمغان نمی‌آورد. امروزه، اقتصاد رقابتی در سرمایهداری هر چند منجر به پیشرفت رفاهی بشر شد، اما آرامش او را هم در نور دید. در این میان، ایران با اجرای فرایند خصوصیسازی نظام اقتصادی تلاش می‌کند زمینه‌های بیشتر و کارامدتری را برای ادغام نظام اقتصادی خود با سرمایهداری جهانی فراهم کند؛

ادغام نظام اقتصادی

• فرایندی که مسئولان شاید، با توجه به تحولات جهانی، راه گریزی برای آن نبینند اما هرچه هست این تغییرات اقتصادی، بهتدریج، تغییرات اجتماعی متعددی در زیر لایه‌های پنهان شهری پدید آورده و می‌آورد. ظهر نیروی کار نامطمئن نه تنها هزینه‌های شغلی که هزینه‌های روانی و اجتماعی متعددی را برای سوژه به همراه دارد. در این میان، با افزایش افراد تحصیلکرده در جامعه، بیکاری و نامنی شغلی در این دسته از افراد نیز به شکل بیسابقه‌ای افزایش یافته است. پیدایش احساس نامنی اقتصادی به آینده شغلی زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای جدید، اما کم‌هزینه‌تر نزد سوژه می‌شود

پیدایش احساس نامنی
اقتصادی

حميد، ۳۲ ساله، ميگوييد:

• الان ديگه اكثراً شركتهای خصوصی با کارمندهاشون، قرارداد سهماهه یا ششماهه ميбинند (فرايind خصوصيسازی: پيدايش قراردادهای کوتاهمدت). (من مدرک فوق لisans و ۴ سال سابقه کار دارم، ولی رئسمون تازه باهام قرارداد يهساله بسته. قبلًا که همه قراردادها یا سهماهه بود يا ششماهه ... اون قدیما، باباهاي ما ميرفتن يه جای دولتي استخدام ميشدن و ۳۰ سال اونجا بودن و اينجوري هم بهراحتی تو سن کم ازدواج ميكردن) (امنيت شغلی در دوره پيشاسرمایهداري، آينده روش؛ ازدواجهاي سريع) (اما اين روزها شرایط خيلي عوض شده. من، که از يه سال بعد خودم خبر ندارم، با اين وضعیت چهطوری ميتونم برم زير بار مسئولیت بزرگی مثل ازدواج؟) (ناامنی شغلی در دوره سرمایهداري، پيدايش آينده مبهم؛ افزایش سن ازدواج

• نامنی شغلی دورهای موقتی در نظام سرمایه‌داری نیست که پس از استقرار و ثبات آن به تدریج بر طرف شود، بلکه اساساً گسترش نامنی یکی از استراتژیهای همیشگی نظام سرمایه‌داری است که کار کرد کنترل خودکار سیستم را به همراه دارد. به عبارتی، اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر نامنی فزایندهٔ کارگر و نیروی کار است. در این نظام اقتصادی، اگر کارگران وضعیت «نامن» داشته باشند و زندگی مملو از نامنی شغلی را تجربه کنند، در آن صورت آنها مطالبه نمیکنند، برای دستمزدهایشان چانه نمیزنند، مزايا نمیگیرند، و به آن اعتراض هم نمیکنند و با این حال، هر زمان هم که کارفرما آنها را نخواهد میتواند بهراحتی اخراجشان کند و این برای سلامت اقتصاد سرمایه‌داری خوب است

•
گسترش نامنی

• سرمایهداری به کارگرانی نیاز دارد که آرام باشند و خوب کار کنند تا چرخهای اقتصاد موجود، بیدردسر، به چرخش خود ادامه دهند. در این میان، یکی از راهکارهای پنهان سرمایهداری برای کنترل و سرکوب اعتصابها و اعتراضها و آرام نگهداشتن کارگران، تولید و افزایش نیروی کار است. در این صورت، «عرضه» و « تقاضای » نیروی کار به نفع کارفرما بهم میریزد. در وضعیت جدید، با حجم عظیمی از کارمندان و کارگران متخصص و آماده به خدمتی روبرو خواهیم بود که کار به اندازه همه آنها نیست و همین امر عاملی توازنبخش برای نظام سرمایهداری است



• چراکه هر گروه معتبرض به راحتی اخراج و نیروهایی دیگر، در جای آنها مینشینند. در این مرحله، نه تنها نیروی کار استثمار میشود که حتی قدرت مقاومت و اعتراض هم از او ستانده میشود. در دوره حاضر، دانشگاهها در ایران به ابزارهای اصلی تولید فزاینده نیروی کار متخصص تبدیل شده‌اند. با افزایش توسعه اقتصادی و گسترش نفوذ سرمایه‌داری در سالهای اخیر در ایران، به تدریج ابزارهای لازم برای تداوم آن هم فراهم شده است. تولید و عرضه نیروی کاری امروزه برابر تقاضای آن شده و این فاصله آنقدر زیاد است که هر اعتراضی را از سوی کارمند، مهندس، و معلمی که امروزه به کارگر سرمایه داری متأخر شده ناممکن کرده است

•

سرمایه داری متأخر

مهران، ۲۷ ساله، میگوید:

• خیلی از دوستهای من که مدرکشون رو از دانشگاههای دولتی گرفته اند هنوز بیکارن و نتونستن کاری برای خودشون پیدا کنن (افزایش بیکاری در افراد تحصیلکرده). الان تو جامعه، آنقدر مهندس بیکار ریخته که حاضرن با حقوقهای پایین کار کنن (تناسبنداشت عرضه و تقاضای نیروی کار). این وسط، کارفرمایها هم که هر کاری دلشون بخواه میکنن چون تا اعتراضی وسط بیاد، راحت میتوانن نیروهای قبلی رو اخراج کنن و نیروهای جدید وارد کنن (گسترش استثمار اقتصادی). تو شرکت ما یهزمانی وقتی رئیسمون دید مهندسهای جدیدی هستن که حاضرن با حقوقهای خیلی پایینتر کار کنن، یه بهونه درست کرد و بعضی از مهندسهای قدیمی رو اخراج کرد چون براش هزینههای بیشتری داشت (سرمايهداری؛ در خدمت طبقه مالک ابزار تولید).



سینا، ۲۸ ساله، میگوید:

• تو این وضعیت استخدامی، هر چند مشغول کاری، ولی دیگه جای پات رو مثل قدیما خیلی سفت احساس نمیکنی و این به تو استرس میده که هر لحظه ممکنه کارت رو از دست بدی و همینهاست که قدرت تصمیمگیری بلندمدت رو از تو میگیره (ناامنی شغلی و پیامدهای روانی: اضطراب و استرس). با این وضعیت هم که دیگه حرف ازدواج رو اصلاً نمیشه زد در حالی که، طبیعیه، تو بھش نیاز داری (بالا رفتن ریسک ازدواج در دنیای سرمایه‌داری). الان با این وضعیت، به نظرم تنها راهکارش همینیه که خیلی از جوونها انجام میدن؛ بیای تو این رابطه‌های کوتاه‌مدت مثل دوست دختر - دوست پسرا یا همین رابطه‌ای که ما داریم (ناامنی شغلی و پیامدهای اجتماعی: تأخیر در سن ازدواج و پیدایش الگوهای جدید رفتاری در پیش از ازدواج.



تغییرات فرهنگی؛ لیبرالیسم اخلاقی و بازاندیشی سنت

- سرمایه‌داری، با ورود اندیشه «لیبرالیسم اقتصادی» در دهه ۱۳۷۰ به ایران، فرهنگ خود را نیز بههمراه آورد. فرهنگی که هرچند در آن زمان بهراحتی دیده نمیشد، اما پیدایش «لیبرالیسم اخلاقی» در گروههای مختلفی از جامعه از نتایج بعدی آن بود؛ اندیشه‌های که بهترین تغییرات فرهنگی گوناگونی را برای جامعه ایرانی بههمراه داشت.

• اگر لیبرالیسم اقتصادی بر خصوصیسازی و سرمایهداری رقابتی تأکید داشت، مشخصه لیبرالیسم اخلاقی نسبیتگرایی شدید آن بود. یکی از نتایج این نسبیتگرایی اخلاقی، پیدایش الگوهای متعدد روابط جنسی پیش از ازدواج در فضاهای شهری ایران بوده است؛ الگوهایی که با سست کردن بینانهای ارزشی از هنجارهای اجتماعی پیشین، مانند ازدواج و راههای مشروع رفع نیاز جنسی، تأکید بر اهمیت میل و اراده آزاد سوژه در ارضای «متفاوت» نیازهایش را در کانون توجه خود قرار میداد. در مرحله تغییرات فرهنگی، لیبرالیسم اخلاقی بینانی فلسفی برای توجیه الگوهای رفتاری جدید آفریده است

سست کردن بینانهای ارزشی

• منطقی نوین که نه تنها این رفتارهای جدید را نابهنجار نمیداند، که اساساً هرگونه هنجار غالب را نیز بهچالش میکشد و بر اراده آزاد سوژه در انتخاب ارزش‌های رفتاریاش تأکید میکند؛ چراکه بر اساس لیبرالیسم اخلاقی، هیچ قانون کلی اخلاقی وجود ندارد. بنابراین معیار تشخیص‌دهنده خوب و بد خود سوژه است. انعطاف در برابر ارزش‌های اخلاقی متعدد، نفی قواعد یگانه و تحولناپذیر، و درنتیجه شکلگیری رفتارهای جدید جنسی از پیامدهای لیبرالیسم اخلاقی در جامعه است که، با گسترش جهانیشدن و ورود سرمایهداری به ایران، در حال رشد و افزایش است. این رویکرد، با جدا کردن عرصه عمومی از حوزه خصوصی و منع دخالت دولت در حوزه زندگی شخصی، آزادی بسیاری را برای انتخاب شیوه‌های متفاوت زندگی برای سوژه فراهم میکند

پیامدهای لیبرالیسم اخلاقی

و یا، ۳۴ ساله، میگوید:

• الان دیگه هرجور که دلش بخواه راهش رو پیدا میکنه. اوضاع جامعه امروز، اجازه این نوع رو میده و مردم دیگه کاری به کار هم ندارن (گسترش بیتفاوتویی فرهنگی) بعضیها دوست دارن ازدواج کنن و بعضیها هم مثل ما دوست ندارن و میخوان رابطهای دیگهای رو تجربه کنن. این یه مسئله شخصیه (نسبتگرایی اخلاقی و رفتاری). الان دیگه ارزشها ازدواج هم شکسته شده ... کی گفته او نایی که ازدواج میکنن موفقترن؟ (تردید به هنجارهای پیشین). اگه میگن این رابطهای ما ناپایداره، خب ازدواج هم ناپایدار شده ... کدوم پایداری با اینهمه طلاق؟ (تجدد و افزایش ناپایداری در روابط). الان دیگه مهم اینه که تا وقتی با طرفت باشی که از بودن با اون لذت ببری؛ نه با زور قانون و دادگاه

• لیبرالیسم اخلاقی، با ترجیح دادن کیفیت زندگی به کمیت آن، لذت در یک رابطه را بر طولانیودن آن ترجیح داد و، به تدریج و از همین طریق، رابطه‌های کوتاه‌مدت از مناسبات بلند‌مدت پیشی گرفتند. از طرفی، سوژه‌های حاضر در روابط هم‌خانگی، رفتار خود را بسیار متفاوت با الگوهای «نابهنجار» روابط پیش از ازدواج، مانند گونه‌های روپیگری، میدانند و برای روابط‌شان احترام قائلاند و نه تنها رفتار خود را بهنجار، که اخلاقی نیز میدانند؛ چراکه هم به شریک خویش متعهدند و هم به او عشق میورزند؛ تعهد و عشقی که الزام‌های قانونی در آن دخیل نیست

رابطه‌های کوتاه‌مدت از
مناسبات بلند‌مدت پیشی
گرفتند

پیمان، ۳۶ ساله، میگوید:

• همه انواع روابط پیش از ازدواج، معناش فحشا نیست. نگاه من، تو این رابطه، هیچ وقت صرفاً جنسی نیست و همیشه باید به طرفم حس عاطفی هم داشته باشم. برای همین، من هیچ وقت طرفم رو از توی خیابون پیدا نکردم. با اینکه ماشین و خونه داشتم، هیچ وقت نرفتم توی خیابون یک نفر رو سوار کنم (پیدایش گرایش‌های روشنفکرانه در روابط پیش از ازدواج.

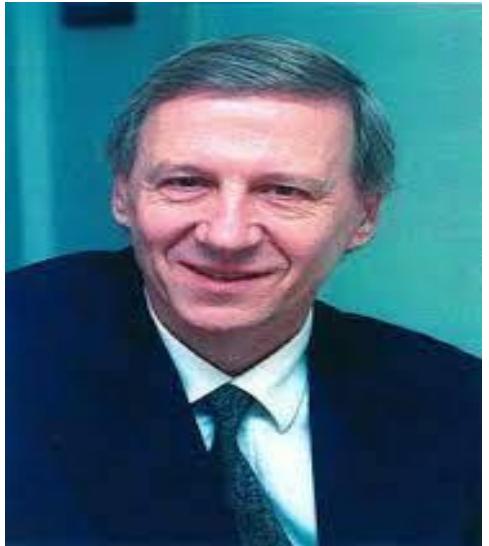
•

مهشید، ۲۷ ساله، میگوید:

• به نظر من، الان دیگه مهم نیست که پیش از ازدواج چه کسی رابطه داره و چه کسی نداره، چون سن ازدواج دیگه آنقدر رفته بالا که خیلیها خودبه خود رفتن به سمت روابط پیش از ازدواج (احساس فراگیری روابط از سوی سوژه). اما این وسط، مهم اون معناییه که آدمها به رابطه‌شون میدن. مثلاً از دیدگاه سنتی که نگاه میکنی میگی وای فحشا زیاد شده و همه این روابط رو «برابر» نگاه میکنی، ولی نکته اینه که اینها همچنان یه چیز نیست. یه فحشا‌ایی داریم که دختره میره تو خیابون تا یه ماشینی سوراش کنه و در سال هم با ۳ نفر اینجوری رابطه داره ولی یه نفر دیگه مثل من در طول سال فقط با یه نفر هست و به اون هم متعهده. این رو دیگه نمیتونی معناش رو فحشا بذاری (تلاش برای توجیه مشروعسازی رابطه).

• در این میان، یکی از شاخصه های تغییرات فرهنگی، فرایند «**بازاندیشی سنت**» است که در بسیاری از موارد به تغییرات ارزشی میانجامد. بازاندیشی یکی از مفاهیم کلیدی این پژوهش است که از گیدنر اقتباس شده است. او بازاندیشی را معرف هر گونه کنش انسانی میداند. بازاندیشی به این واقعیت اشاره دارد که ما مجبوریم پیوسته و بیوقfe درباره اوضاع زندگیمان تدبیر و تأمل کنیم.

شاخصه های تغییرات فرهنگی



گیدنر

• در تمدن‌های ساده و ماقبل مدرن، که سنت حاکمیت مطلق داشت، بازاندیشی تا اندازه زیادی محدود به بازتفسیر و توضیح سنت پیشین بود. در این دوره، سنت وسیله برخورد با زمان و مکان بود؛ زمان و مکانی که گذشته در آنها تداوم و تجلی می‌باید. اما در دوره تجدد، ماهیت بازاندیشی تغییر کرده است. ویژگی تجدد، بازاندیشی درباره همه‌چیز است و، در این بین، بازاندیشی سنت و ارزش‌های پیشین جامعه یکی از مهمترین پیامدهای تجدد است که با فرایند جهانیشدن، شدیدتر نیز شده است. به تعبیر گیدنر، تضاد با سنت معادل تجدد است و این تضاد، با فرایند بازاندیشی حاصل می‌شود.

فرایند بازاندیشی

• در این دوره، تأیید عملکردها دیگر، با ضمانت سنت، کارایی نخواهند داشت (همان: ۴۴) بلکه پشتوانه تفکر نوین به «دلایل» گفتار است و نه «مراجع» سنتی آن. در این میان، فرایند بازآندیشی به عرصه ازدواج هم رسیده است. عرصهای که زمانی بی چون و چرا پذیرفته میشد امروزه ماهیت و عملکردش، در گروههای خاص اجتماعی، به چالش کشیده میشود و الگوهای جدیدی به جای آن پذیرفته میشود؛ رفتارهایی که همخانگی را موازی با ازدواج و به منزله شکلی مقبول از رابطه های نوین میپذیرد

سارا، ۲۹ ساله، در پاسخ به سؤالی درباره تفاوت رابطه‌اش با ازدواج میگوید

• من معنی ازدواج رو نمیفهمم و فرقش رو با این رابطه‌ای که الان دارم (همخانگی) متوجه نمیشم. سؤال تو به نظر من بیمعنیه (تردید به ارزش‌های پیشین)، چون من تو این رابطه‌ای که هستم، با طرفم هم رابطه عاطفی دارم و هم جنسی و هم به همدیگه متعهدیم ... ازدواج چی داره که ما تو رابطمون نداریم؟ پس چرا برم ازدواج کنم؟ (بازاندیشی، پیدایش ارزش‌های جدید)

مهناز، ۳۱ ساله، میگوید

• کلاً به نظر من، نسل مامانباهاي ما اصلاً نميتوان ما رو بفهمن و با اين قضيه کنار بيان. او نا هيچ وقت نميان خودشون رو جاي ما بذارن (گست نسلی). خودشون تو ۱۸ سالگي ازدواج کردن و از اين طريق نيازهاشون رو برطرف کردن. انتظار دارن ما هم اينطوری باشيم، در حالی که شرایط کاملاً عوض شده. الان سن ازدواج تو جامعه خيلي رفته بالا ديگه به اين راحتی نميشه ازدواج کرد. از طرفی هم نميتوانی همش به اميد اينکه يهروزی بالاخره ازدواج ميکنی، نيازهات رو سرکوب کني (فرainد بازانديشی).

گست نسلی

• اما از طرفی، فردگرایی نیز یکی از محصولات لیبرالیسم اخلاقی است. فرد اولین و آخرین حجت لیبرالیسم است. لیبرالیسم، زمینه را برای فردگرایی اخلاقی سوژه فراهم میکند؛ فردگراییای که بر منفعتطلبی شخصی سوژه استوار است. در این رویکرد، سوژه حقوق خود را بر همهچیز مقدم میداند و بر استقلال فردی و آزادی شخصی تأکید دارد. یکی از شاخصهای احساس آزادی، بازبودن درهای خروج از رابطه در هر لحظه است؛ شاخصی که هرچند ناپایداربودن رابطه را تشدید میکند، احساس آزادی بالایی برای سوژه در مدیریت رابطه بهارمغان میآورد

فردگرایی نیز یکی از محصولات لیبرالیسم
اخلاقی است

میلاد، ۲۸ ساله، میگوید:

• مهمترین مزیت این رابطه ها، آزادی ای یه که به تو میده. من الان تو این رابطه خیلی استقلال دارم و حاضر نیستم کسی این استقلال رو ازم بگیره. الان با یکی دوست میشم، خوش نیومد به همش میزنم (منفعتطلبی شخصی) ... من با تعهدداشتن مشکلی ندارم ولی، چون استقلال و آزادی شخصیم برای خیلی مهمه، اگه تو یه رابطه ازدواجی قرار بگیرم و ببینم که نمیتونم ادامه بدم، سریع میخوام تمومش کنم. برای همین ازدواج و محدودیتهاش، خیلی کار رو برای سخت میکنه فردگرایی شدید.



• بیش تر سوژه های مطالعه شده، در این تحقیق، در فرایند بازاندیشی ارزشها و سنتهای اجتماعی، الگوهای هنجر رایج را رد کرده و به شیوه های جدیدی از اندیشه و رفتار روی آورده بودند. جهانیشدن سبکهای متفاوتی از زندگی را به همراه دارد. فرایند بازاندیشی و شکل گیری ارزشها جدید در این سوژهها آنقدر عمیق و درونی شده بود که بسیاری از آنها اندیشه ها و رفتارهای خود را اموری طبیعی، عادی، و پیشپاافتاده قلمداد میکردند

•

شکل گیری ارزشها جدید

بیتا، ۲۹ ساله، میگوید:

• الان من حتی اگه ازدواج هم بکنم، باز هیچ قطعیتی ندارم که بتونم با طرفم تا آخر عمر بمونم. پس دیگه چه لزومی به ازدواجه؟ چون اگه این طرفم آدم خوبی باشه، تو همین دوستی هم آدم خوبیه و دیگه لزومی نمیینم که بخوام باهاش ازدواج کنم (بدیهی پنداشتن روابط همخانگی). ازدواج یه تعهد کتبیه. کسی که بخواد متعهد باشه، تو دوستی هم متعهده. شما اگه یکی رو پیدا کنی که تو دوستی باهات متعهد نباشه، مطمئن باش که تو ازدواج دیگه اصلاً متعهد نیست. باز تو دوستی متعهدترن؛ چون میترسن هر لحظه بهراحتی تو رو از دست بدن؛ چون هیچ تعهد قانونیای نیست که تو رو نگه داره (ارزشزدایی از ازدواج احساس قدرت و مدیریت بالا در روابط همخانگی)، اما تو ازدواج طرف هر کاری بخواد میتونه بکنه و تو هم مگه میتونی به این راحتی طلاق بگیری؟ نه قانون اجازه میده نه خانوادهات (محدودیتهای ازدواج.

۵- ورود عناصر نوسازی

- «عناصر نوسازی» عناصر واسطه‌ای برای ایجاد تغییرات ارزشی و رفتاری در جامعه است. فضای مفهومی عناصر نوسازی بسیار گسترده است و انواع گوناگونی از مفاهیم را دربر میگیرد؛ از قبیل ورود رسانه‌های جهانی مانند ماهواره و اینترنت؛ افزایش امکانات ارتباطات شخصی و پنهان مانند تلفن همراه، چت، و اساماس؛ افزایش دانشگاهها و گسترش آموزش مدرن؛ و شهرنشینی و پیدایش فرصت گمنامی. در این میان، نقش و تأثیر وسایل ارتباط جمعی، در مقیاس جهانی، در پیدایش تغییرات اجتماعی از همه بیشتر است.

• رسانه‌های ارتباطی، با سست کردن ارزش‌های پیشین و درونیسازی ارزش‌های نوین در سوژه، او را آماده انجامدادن رفتارهای جدید می‌کنند. وسائل ارتباط جهانی، آنچنان به‌آرامی روابط اجتماعی را تغییر داده‌اند که بسیاری از افراد این تغییرات و منشأ رسانه‌ای آن را در نمی‌یابند و صرفاً آن را تغییراتی عادی در زندگی روزمره میدانند، اما چیزی فراتر از یک تغییر ساده در حال وقوع است؛ سبک زندگی در حال تغییر است

منشأ رسانه‌ای

• اهواره، با اینکه در کشور ما رسانه ممنوع است، گسترش بسیاری دارد. این رسانه، بهعلت بهره‌گیری از جادوی تصویر، در ذهن و روان مخاطب نقش پررنگی می‌گذارد. ماهواره، با تنوع و تعدد شبکه‌هایش، سوژه را در دهکده جهانی با فرهنگ واحدی کترل می‌کند و آموزش پنهان میدهد؛ آموزشی که نتیجه آن تغییر سبک زندگی در جهت یکسانسازی فرهنگی مطابق با ارزش‌های سرمایه‌داری است.



افشین، ۲۷ ساله، میگوید

• الان شرایط دنیا هم تغییر کرده. تو خیلی از سریالهایی هم که توی ماهواره نشون میده دختر و پسر بدون اینکه با هم ازدواج کنن دارن با هم زندگی میکنن (نقش رسانه‌های جهانی؛ فرایند جامعه‌پذیری جهانی). اینجوری نیست که آدمای بیبند و باری باشن، مدل زندگیشون فرق داره آشنایی و پذیرش سبکهای جدید زندگی



• از طرفی، رواج «کلانشهرنشینی» و زوال مفهوم محله از عوامل دیگر تسهیل این روابط بوده‌اند؛ عواملی که، با کاهش کنترلهای غیررسمی بر سوژه و افزایش فرصت گمنامی او در میان حجم انبوه جمعیت شهری، زمینه تداوم انواع روابط نامتعارف را برای او فراهم کرده است؛ روابطی که امروزه شیوع آن در شهرهای کوچک و روستاهای ایران، بهعلت کنترل غیررسمی بالا، بسیار بعید بهنظر میرسد.

افزایش فرصت گمنامی

• در این میان، پس از گذار جامعه ایرانی از سنت به سمت مدرنیسم و افزایش پدیده کلانشهرنشینی، در شهرهایی چون تهران بهتدریج مفهوم محله به معنای سابق آن از بین رفته و جای خود را به جمعهای انسانی فاقد هویت گروهی داده است. در چنین اجتماعهایی، دیگر نه اثری از آبروی محلی مانده است و نه مفهوم همسایگی و کنترل غیررسمی. در این وضعیت جدید، سوژه در برابر رفتارهای نامتعارف خود با واکنش همسایگان روبرو نمیشود؛ چراکه اساساً بسیاری از اطرافیان و همسایگان او نمیدانند که او رابطه خلاف عرف دارد.

افزایش پدیده کلانشهرنشینی

• از طرفی، در کلانشهرهای جدید، بیتفاوتی اجتماعی افزایش میابد و حتی پس از سالها همچواری دو همسایه یکدیگر را نمیشناسند و این نکته به ظاهر ساده، با ایجاد فضای گمنامی، یکی از بهترین فرصتها را برای شکلگیری و بروز همخانگی در کلانشهرها فراهم کرده است. در همین راستا، دختران و پسرانی که پیش از این برای حفظ آبرو در سطح محله، ارتباط خود را نمایان نمیکردند و جنبه خودکنترلی بر روابط آنها حکمفرما بود این بار در دل گمنامی شهری، دیگر ابایی از ارتباطات نامتعارف خود ندارند؛ فرایندی که با پیدایش تکنولوژیهای ارتباطی بر پنهانبودن آن نیز افزوده شده است

در دل گمنامی شهری

حامد، ۳۳ ساله، میگوید:

من هرجا میرم خونه بگیرم، طوری رفتار میکنم که هیچکس فکرش رو هم نمیکنه که ما زن و شوهر نیستیم و صرفاً همخونهايم. حتی تا حالا بنگاهدار هم از من شناسنامه نخواسته (کلانشهرنشینی، بیتفاوتی اجتماعی). ما معمولاً جایی میریم خونه میگیریم که کسی ما رو نشناسه و ندونه رابطهمون چهجوریه تا دردرس نشه. تا حالا هم که اتفاقی نیفتاده کلانشهرنشینی، فرصت گمنامی.



تغییرات خانواده

• بخش بزرگی از تغییرات خانواده، معلوم «تغییرات فرهنگی» و «تغییرات اقتصادی» در سالهای اخیر بوده است. افزایش تحصیلات دختران و ورود آنان به عرصه‌های اجتماعی، بهترینج، رابطه دختر و پسر را آسان کرده است؛ رابطه‌ای که امروزه بهراحتی، با تلفن همراه می‌شود و البته پنهانشدنی است. از طرفی، بالارفتن سن ازدواج در سالهای اخیر و، در پی آن، افزایش طلاق در خانواده‌های ایرانی ریسک ازدواج در ایران را بهشت بالا برده است؛ جامعه‌ای با ساختار سنتی که، در تبلیغاتش، خود را از طلاق بیزار میداند، اما در سطح تودهها شاهد طلاق روزافزون جوانانش است. این تعارض بین واقعیتها و ارزشها، فشار روزافزونی به سوژه‌های اجتماعی وارد می‌کند. دو گانگیای میان ذهنیت و عینیت شکل گرفته که بهترینج زمینه‌های پذیرش الگوهای جایگزینی چون همخانگی را در جامعه فراهم کرده است؟

• الگوهایی که، با تغییرات ارزشی و اقتصادی سالهای اخیر، زمینههای رشد بیشتری یافتهاند. از طرفی، شکاف نسلی میان والدین و فرزندان، ناشی از تغییرات ارزشی رویداده در سالهای اخیر، سبب شده است که کنترل خانوادهها بر ذهنیت و رفتار فرزندان مشکل شود.

کنترل خانواده ها بر ذهنیت و رفتار
فرزندان

• امروزه، تفاوت در نگرش به «نحوه رابطه» با جنس مخالف به یکی از اصلیترین کانونهای مناقشه بینسلی در خانوادهای شهری بدل شده است. بیشتر این روابط، پنهانی و دور از چشم والدین شکل میگیرد و تداوم میابد؛ چراکه بسیاری از فرزندان والدین خود را محروم اسرار جنسیشان نمیدانند. در این بین، گروههای دوستی سوژه نقش مؤثرتری در رفتار او دارد تا خانواده اش

شیوا، ۲۸ ساله، میگوید:

من با طرفم توی دانشگاه آشنا شدم (عرضه های جدید حضور زنانه). اولش ارتباطمون در حد جزو و اینها بود ولی بهتد ریج با اس ام اس و بعد هم با چت رابطه‌مون زیادتر شد اما هنوز با هم بیرون نرفته بودیم (نقش فناوریهای نوین ارتباط شخصی در مدیریت و پنهانکردن رابطه). خیلی شبها وقتی تو خونهمون همه میخوابیدن، من تو اتاقم میرفتم توی چت و اوون هم میاومد و با هم حرف میزدیم (حضور همیشه غایب شریک جنسی). اینجوری یه‌مدتی با هم بودیم بدون این که خانواده‌ام چیزی بفهمن (کاهش قدرت کنترل خانواده بر فرزند). بعدش که صمیمت بینمون زیادتر شد کمکم خونهاش هم‌میرفتم تا اینکه بعداً به این نتیجه رسیدیم که با هم زندگی کنیم.



مهسا، ۳۱ ساله، میگوید:

بعضی از دوستای من الان، مثل خودم، تو اینجور روابط هستن (نقش گروههای دوستی). هر چقدر هم خانواده آدم روشنفکر باشه ولی هنوز هم روی اینجور مسائل حسان و قبول نمیکنن که دخترشون وارد همچین حیطه هایی بشه. بابام که اگه بدونه، مطمئنم منو میکشه (واکنش منفی والدین در صورت آگاهی یافتن). وقتی این حد تفاوت فکری رو میینی (شکاف نسلی) تو هم مجبوری همهچی رو ازشون پنهان کنی تا روابط باهاشون تیرهو تار نشه (توسل به پنهانکاری و سکوت). واسه همین، من اگه بخوام با کسی برم بیرون بهشون نمیگم با کی میرم و کجا میرم (نظراتنداشتن ناشی از نبود تعامل نسلی).

۷- دستیابی به یک مدل نظری

• چرا امروزه برخی جوانان ایرانی به سمت روابط هم‌خانگی سوق پیدا کرده‌اند و بسیاری دیگر به دنبال آن نمی‌روند؟ شاید مختصرترین پاسخ این سؤال، با توجه به نتایج تحقیق، تفاوت در «نحوه اجتماعی‌شدن» جوانان باشد؛ سوژه‌هایی که این نوع رابطه در شبکه روابط اجتماعی و گروههای دوستیشان رواج بیشتری داشته است و همچنین تجربه طولانی‌ای درباره ارتباط صمیمی با جنس مخالف داشته‌اند، تمایل بیشتری به اینگونه روابط پیدا کرده بودند، اما این استدلال کاملاً قانع‌کننده نیست؛ چراکه میتوان افراد بسیاری را سراغ گرفت که شرایط بالا را دارند، اما به سمت هم‌خانگی نمی‌روند و ازدواج رسمی را می‌پذیرند. حال در اینجا چه میتوان گفت؟

•

شبکه روابط اجتماعی و
گروههای دوستیشان

• حقیقت آن است که پیدایش موقعیتی خاص، در فضای اجتماعی، صرفاً «زمینه‌های» بروز رفتارهای جدید را فراهم میکند، اما این زمینه‌ها همیشه منجر به پیامدهای قطعی نمیشوند؛ یعنی تعیین کنندگی تام ندارند و، با وقوع موقعیتهای زمینه ساز، «همه افراد» در آن وضعیت الزاماً به رفتارهای جدیدی چون همخانگی سوق پیدا نمیکنند. **قدرت انتخاب** «سوژه‌ها را نباید نادیده گرفت.



• موارد زمینه ساز رفتارهای سوژه را ممکن است به سمت خاصی «سوق» دهد، اما الزاماً رفتار آنها را از قبل «تعیین» نمی‌کنند. **وبر** نیز اخلاق پروتستان را صرفاً یکی از «**علل احتمالی**» پیدایش سرمایه‌داری در نظر می‌گرفت. او استدلال می‌کرد که علیت جامعه شناختی مستلزم عملکرد در یک چهارچوب احتمالی است و نمی‌توان رفتار سوژه را به طور کامل پیش‌بینی و تبیین کرد (وبر به نقل از آرون، ۱۳۸۷، ۵۸۰)

• تاریخ نتیجه عمل ارادی انسانهاست که البته موقعیتهاي ساختاري نيز نقش «تسهيل کندگي» (و نه تعينکندگي) را در اين ميان ايقا ميکنند. بنا بر اين، از طريق اعتقاد به «عليت احتمالي» و همچنين باور به «قدرت انتخاب» سوژه است که ميپذيريم، در وضعیت حتی يکسان، افراد ممکن است مسیرهاي متفاوتی را برگزينند

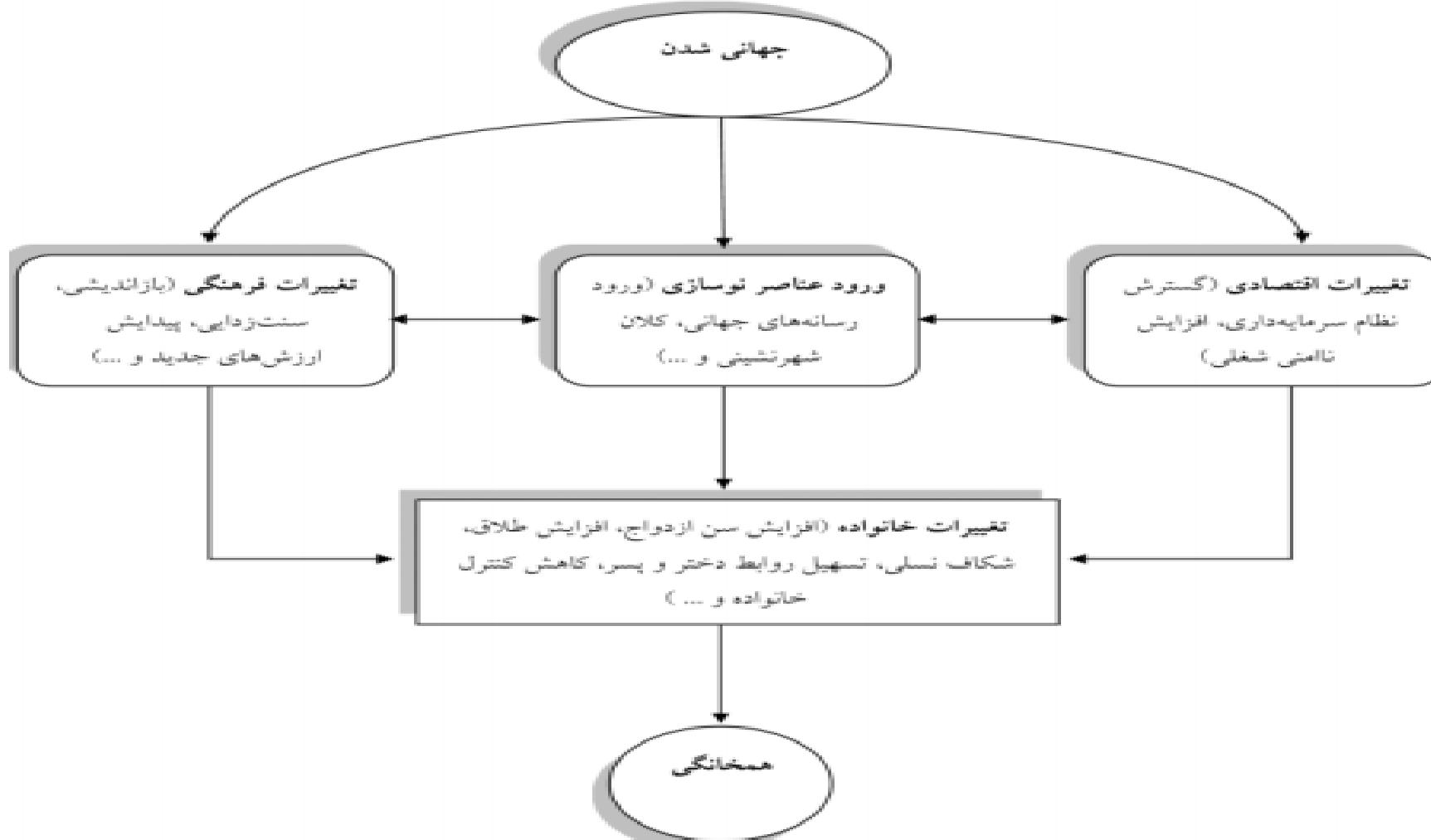
موقعیتهاي ساختاري

• مصحابهای عمیق در این تحقیق نشان میدهند که در بروز و شکلگیری الگوهای جدید روابط جنسی پیش از ازدواج موارد زمینهساز متعددی دخیل است. با توجه به شناخت عوامل مؤثر در شکلگیری روابط همانگی، میتوان آنها را شامل جهانیشدن با ابعاد تغییرات اقتصادی، تغییرات فرهنگی، ورود عناصر نوسازی، و تغییرات خانواده دانست. جهانیشدن، با کوچک سازی جهان و ایجاد دهکده جهانی، تحولات مناطق گوناگون جهان را به سرعت به سایر نقاط منتقل کرده است. تحولی که زمانی در دهه ۱۹۶۰ از اروپا و امریکای شمالی شروع شده بود در فرایند گسترش تاریخیاش، امروزه، به امریکای جنوبی و حتی آسیا نیز رسیده است؟

•
کوچک سازی جهان و
ایجاد دهکده جهانی

- تحولاتی که ایران نیز از پیامدهای آن در امان نمانده است. برهمکنش این عوامل و تأثیر و تأثر میان آنها منجر به تغییرات رفتاری در افراد جامعه و شکلگیری الگوهای جدیدی چون همجانگی در میان بخشی از جوانان شده است

مدل زمینه‌ای: تنظیمات اجتماعی در حال گذار در جامعه ایرانی و پیدایش الگوهای هم‌خانگی



• قولات بهدستآمده مذکور در فرایند ساخت نظریه زمینهای، خط سیر داستانی شکلگیری الگوهای همخانگی در فضاهای شهری را بهدست میدهند، اما این عوامل چگونه در کنار یکدیگر موجب بروز این روابط در جامعه شده‌اند؟ سازوکار شکلگیری روابط همخانگی پیچیده، دیالکتیکی، و چندمرحله‌ای است و عوامل متعددی بر آن تأثیر میگذارد.

• گسترش جهانیشدن و ورود وسایل ارتباط جهانی، مانند ماهواره و اینترنت، و همچنین فرایند حرکت از سنت به تجدد و قرارگرفتن در موقعیت بینابینی، ایران را به جامعه در حال گذار تبدیل کرده است؛ جامعه‌ای که بهتدریج، در فرایند توسعه و با پیدایش تنظیمات گوناگون در پی آن، با امواج گستردگی از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است. ماهواره و اینترنت سبکهای زندگی جدیدی از جوامع و فرهنگهای متعدد را پیش روی مخاطبان خود قرار میدهند و به طور غیرمستقیم ارزش‌های پیشین آنها را بهچالش میکشند و، در عین حال، گزینه‌های جدیدی را برای زندگی پیش روی آنها میگذارند

- نتیجه این تحولات تغییر تدریجی ارزشها در جامعه بوده است که، با گسترش آشکار و پنهان وسایل ارتباط جهانی و همچنین فرایند مدرنیزاسیون، تسريع شده است. این امر خود را در شکافهای بینسلی بهخوبی نشان میدهد؛ چرخشی در نسل و روندی که نشانه تغییر در جامعهای است که هنجارها و ارزشهای سنتی آن، کمتر در جوانان تأثیرگذار است.

• تغییرات ارزشی با شکاف بین نسلها و پشتکردن نسلهای جوانتر به ارزش‌های سنتی در جامعه شروع می‌شود و ممکن است به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر بینجامد. از طرفی، افزایش تحصیلات در سالهای اخیر و ورود دختران به عرصه‌های اجتماعی (دانشگاه و کار)، بهتدریج، ارتباط دختر و پسر را ساده کرده است و فناوری‌های ارتباطی جدید، مانند تلفن همراه و چت، این ارتباط را پنهان. امروزه ارتباط دختر و پسر نه صرفاً با دیدارهای حضوری، که با چترومها و تلفنهای همراه تداوم می‌یابند و مدیریت می‌شوند. فرآگیرشدن این امکانات ارتباطی تأثیرات مهمی در لایه‌های پنهان شهری داشته است

• فناوریهای نوین به «**غیبت بدنها**» در محافل عمومی کمک کرده و، در پی آن، « **فرصت گمنامی**» سوژه‌ها را در جامعه افزایش داده است. مجازیشدن این ارتباط کنترل خانواده‌ها را هم به‌چالش کشیده است. به‌ظاهر، دربهای خانه بسته است و والدین، سرمست از فراهم‌کردن امنیت برای اعضای خانه، به خواب شبانه می‌روند؛ غافل از آنکه عضو خانواده در اتاق خود مشغول ارتباطهای پنهان مجازی با شریکش است. ارتباطهایی که با ورود رایانه و اینترنت پرسرعت به خانه‌ها به شکل تصویری هم صورت می‌پذیرد؛ به ظاهر غریبهای در خانه نیست، اما در اتاق خواب جوان خانواده، غریبها می‌آیند و می‌روند و والدین همچنان در خواب گران به‌سر می‌برند



• ورود امکانات ارتباطی نوین، حضور بیشتر دختران در عرصه‌های اجتماعی، و تغییرات تدریجی ارزشها، همه این ماجرا نیست و مسئله شکل گیری الگوهای روابط هم‌خانگی را به طور کامل تبیین نمی‌کند. عوامل زمینه‌ساز دیگری نیز در کار است که در کنار یکدیگر سوژه را به سمت یافتن راههای جدید ارضای نیاز سوق میدهند.

•

امکانات ارتباطی نوین

• یکی از مهمترین این عوامل را باید در تغییرات ساختار اقتصادی ایران در سالهای اخیر جستجو کرد. «بیکاری» و گسترش «نامنی شغلی» در جامعه، با بالا بردن سن ازدواج، به یکی از عوامل کلیدی شیوع روابط جنسی پیش از ازدواج و پیدایش الگوهایی چون هم خانگی تبدیل شده است. تنظیمات اجتماعی دوران گذار اقتصادی در ایران از اقتصاد دولتی به سمت خصوصی سازی و الگوی اقتصاد سرمایهداری در حرکت است؛ فرایندی از تنظیمات جدید که، در سالهای اخیر، به شکلگیری تبعات و تغییرات اجتماعی و فرهنگی گستردهای در لایههای پنهان شهری منجر شده است

خصوصی سازی

• با گسترش الگوی سرمایه‌داری در ایران، عرصه اشتغال روزبهروز ناامنتر و بیشتر می‌شود. این امر به آن معناست که هم ادامه اشتغال و هم سطح دستمزدها، کمتر از گذشته، قابل پیشینی است و بستگی به عواملی دارد که در کنترل کارکنان نیست. اینان، در موقعیت جدید، به طور فزاینده‌ای خود را بیحفاظ و نایمن می‌بندند. علاوه بر اینکه میزان بیکاری جوانان در ایران همچنان بالاست، **ناامنی شغلی شاغلان** هم بر این مشکل افزوده است.



• در دوران معاصر، استخدام بلندمدت و عمرانه در حال فراموشی است و همین امر جهان مدرن را به جهان مخاطرها میز بدل کرده است. یکی از پیامدهای جامعه مخاطرها میز، ایجاد فرهنگ مخاطرها میز است. جهانیشدن، بههمانسان که امکانات بیشتری برای زندگی ایمن و خوشایند سوژه فراهم میکند، باعث اضطراب او نیز میشود. رقابتی شدن اقتصاد در سطح کلان، شاید آسایش بیشتری برای جامعه فراهم آورده باشد اما، در سطح خرد، آرامش را برده است. امنیت شغلی از بین رفته و آینده شخصی غیرشفاف شده است

رقابتی شدن اقتصاد در سطح کلان

- ناامنی شغلی هم پیامدهای روانشناختی دارد (مانند اضطراب و ناامنی روانی) و هم پیامدهای اجتماعی (مانند کاهش ریسک، بالارفتن سن ازدواج، و پیدایش الگوهای نوین پیش از ازدواج) که هریک تبعات مهمی بر تغییرات اجتماعی در جامعه دارد

• این تغییرات ساختار اقتصادی جامعه بر تحولات اجتماعی آن مؤثر بوده است. «شغل ناپایدار» با «تعهد پایدار» در روابط شخصی سازگار نیست و سوژه‌ای که «امنیت اقتصادی» ندارد «امنیت روانی» هم ندارد. **نامنی شغلی** در فضای جدید به پیدایش پدیده «ترس از ازدواج» در جامعه منجر شده است. در گذشته، مشکلات اقتصادی از عوامل عمده «طلاق» در جامعه بود، اما امروزه مشکلات اقتصادی به یکی از عوامل عمده «ازدواج نکردن» بدل شده است

• کنشگر تحصیلکرده امروز بسیار حسابگرتر از کنشگر تقدیرگرای دیروز شده است. در موقعیت جدید، افراد مانند گذشته به راحتی تن به ازدواج نمیدهند که طلاق بهای سنگین آن باشد. نتیجه این تحولات، افزایش سن ازدواج در سالهای اخیر و شکلگیری روابط جنسی پیش از ازدواج و پیدایش الگوهای همخانگی در پی آن بوده است. روابطی که در بسیاری از موارد، نه از سر انتخاب آزادانه که بهعلت جبر زمانه پدید آمده و سوژه را در دیالکتیک با تحولات اجتماعی و اقتصادی جامعه، ناچار به انتخاب «راههای جدید» کرده است

• راههایی که در اوضاع جدید و با امکانات مدرن هزینه‌های کمتری را برای او بهمراه خواهد داشت. این همه در حالی است که بسیاری از این سوژه‌ها به دنبال راههای «فرهنگی و مشروع» اراضی نیاز و در جست وجوی روابط پایدارند، اما زمینه‌های شکلگیری روابط پایدار و ازدواج موفق، مانند اوضاع اقتصادی جامعه، را تیرهوتار می‌بند و فضای ناشی از نامنی و عدم قطعیت آنچنان توان ریسک سوژه برای پذیرش موقعیتهاي مشروع ولی سخت پیشین را از او سلب کرده است که او، به تدریج، راههای فرنگی جدید و کمزینه را به راههای مشروع پیشین ترجیح داده است. نامنی شغلی و عدم قطعیت مخاطرات جهان معاصر را تشدید می‌کند.

نامنی شغلی و عدم قطعیت

• نامنی، خود، یکی از عوامل تشدید مخاطره است. در جهان پر مخاطره، ریسک کردن و قبول تعهد پایدار خود مخاطره دیگر است؛ مخاطره‌های که بسیاری حاضر به پذیرش آن نیستند. این امور در کنار سایر عوامل، زمینه‌ساز پیدایش رفتارهای جدید و شکلگیری الگوهای هم‌خانگی در جامعه شده است

تشدید مخاطره

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به دنبال بررسی معانی ذهنی سوژه های فعال در روابط همخانگی از قرارگیری در روابط نامتعارف‌شان و همچنین شرایط اجتماعی زمینه‌ساز در شکلگیری این روابط بوده است. یافته‌های تحقیق نشان میدهد که فرایند جهانی‌شدن در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، و تکنولوژیکی خود بهترینج و در طول سالیان اخیر زمینه‌های بروز انواع تغییرات اجتماعی را در حوزه خانواده در جامعه ایرانی ایجاد کرده است؛ تغییراتی چون افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، شکاف نسلی، و همچنین افزایش ورود دختران به عرصه های دانشگاهی و محیط کار و سپس تسهیل روابط دختر و پسر. نتیجه این تحولات و فرایندهای جامعه‌پذیری جهانی سبب شده است که روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران گسترش یابد.

معانی ذهنی سوژه
های فعال



• روابطی که به تدریج با افزایشیافتن، متکثر و متنوع نیز شده‌اند؛ تنوعی از تغییرات که هم‌خانگی نیز یکی از محصولات آن بوده است. به عبارتی، هم‌خانگی در ایران ظهر نکرد که وارد شد؛ الگویی از رابطه که ریشه‌های عمیق غربی دارد و محصول تغییرات الگوی خانواده در چند دهه گذشته در این کشورها بوده است. هم‌خانگی، امروزه، هر چند در بسیاری از کشورها به الگویی «raig» و «ثبت» در کنار الگوهای پیشین خانواده تبدیل شده است، اما در ایران، ویژگیهای مناطق دیگر جهان را دارا نیست و به همین سبب، محصول تحولات اجتماعی در حال گذار جامعه ایرانی است

تغییرات الگوی خانواده

• پیدایش **شکل «ثابت»** از این الگو و تداوم آن در کنار الگوهای دیگر، زمانی مطرح میشود که همچنانگی از طرف قشر کثیری از افراد جامعه ایرانی پذیرفته شده باشد و از طرفی، در بیشتر نقاط ایران نیز یافت شود؛ در حالی که بهنظر نمیرسد روند تحولات سالهای اخیر ایران هنوز به این مرحله از تغییرات رسیده باشد.



• در این میان، پیدایش الگوهای هم‌خانگی در کلانشهرها و بهره‌گیری سوژه‌ها از استراتژی گمنامی و پنهانکاری، خود، شاهدی بر مخالفت توده‌های جامعه با این الگوهای در حال رشد است؛ الگوهایی که هر چند شاید سالها بعد بتوان آنها را الگوهای رایج و ثابتی در کنار خانواده امروزی تصور کرد، اما همچنان در ایران باید آنها را الگوهای انحرافی دانست

الگوهای انحرافی

• از سوی دیگر، روابط جنسی پیش از ازدواج، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی دیگری را نیز برای جامعه به همراه داشته است؛ پیامدهایی که به پیدایش ارزش‌های جدید فرهنگی و تغیرات اجتماعی در طول سالهای اخیر انجامیده است. سیاستهای توسعه اقتصادی و اجتماعی و تحولات دیگری چون گسترش حضور و نفوذ ماهواره و اینترنت و امکانات ارتباطی جدید در جامعه سبب شده‌اند که منابع جامعه‌پذیری، متکثر شوند و الگوهای هنجاری و ارزش‌های سنتی، کمتر از گذشته، در جامعه تأثیرگذار شوند.

الگوهای هنجاری و ارزش‌های سنتی

• از طرفی، گسترش عقلانیت مدرن و نقد دائم سنت بر تسریع و تشدید این تحولات مؤثر بوده است. در این بین، تجدد و زاده‌اش امر مدرن با تنوع بیپایانش، اگرچه در «نوبودن» نقطه پیوند یافته است اما وضعیت تناقضنامای آن در گستره بیپایان این «**نو به نوشدن**» پیش از آشکارشدن رنگ باخته و جای خود را به تناقضی جدید سپرده است. دوگانه جذب و طرد همان دوگانه آشکار امر مدرن است که با همان دست که میدهد با همان دست نیز میستاند. نباید از این نکته غافل ماند که تکیه بیچونوچرا بر عقلانیت مدرن و ارزش‌های آن و نفی سنت روزیروزگاری ضد خودش را هم در دل خویش خواهد پروراند.

• با وجود همه مزایای تجدد، این آفت بالقوه عقلانیت مدرن است و جامعه‌شناسان همیشه از بروز این آفت هراس داشته‌اند که اگر حربه عقلانیت مدرن (= نقد سنت و ارزش‌های پیشین) در یک جامعه نتیجه داد، روزی این حربه در جهت مخالف خود هم کارگر خواهد افتاد و آنچه را تاکنون یک سنت و فرهنگ در طول تاریخ خود یافته و بافته است همه را پنهان خواهد کرد و از میان برخواهد داشت. کار تجدد بازاندیشی ارزش‌های سنت است و این بازاندیشی در بسیاری از موارد پیامدهای ناخواسته بیشماری را با خود به همراه دارد. اگر گفتمان روابط پیش از ازدواج، به گفتمان رایج در جامعه تبدیل شود روزی از همین گفتمان برای نفی خود ازدواج هم استفاده خواهد شد.

•

حربه عقلانیت مدرن

• کما اینکه همینطور هم شده است؛ امروزه جوانان در غرب، کمتر و دیرتر ازدواج میکنند و به سمت «گونهای متعدد و جدید» روابط جنسی سوق پیدا کرده‌اند. در این کشورها، مفهوم عشق سیال و ناپایدار شده و عشق ابدی در حال فراموشی است و عشق گذرا و موقتی ارزش و قیمت یافته است (Bauman, 2003; Barash. and Lipton, 2002 تجدد با نقد ارزش‌های سنت، فقط به تسهیل ازدواج منجر نشد که همین فلسفه، در غرب، به تکثر الگوهای همسرگزینی و سپس نفي ازدواج هم انجامید. امروزه، در کشورهای غربی، روابط جنسی به میزان زیادی از ازدواج جدا شده است (Harding and Jencks, 2003; Welling et al., 2006; Legkauskas and Stankeviciene, 2009).



• رشد الگوهای جدید روابط جنسی همچون گسترش شدید روابط جنسی پیش از ازدواج، روابط جنسی خارج از ازدواج، همخانگی، همجنسگرایی، و حتی الگوهای جدید روسپیگری، همه، محصولات متنوع تفکر مدرن در مغرب زمین بوده است. اگر یک جامعه به میوه‌های خوب عقلانیت مدرن رضایت دهد، بایدمنتظر باشد که روزی میوه‌های تلخ هم بر آن ظاهر شوند

میوه‌های خوب عقلانیت
مدرن

- جامعه ایران، امروزه، به صورتی مصنوعی و ناقص، تحت فرایند مدرنیزه شدن قرار گرفته است و از طرفی فناوریهای جدید و مدرن وارداتی هم، که با خود ارزش‌های جدید و ناهمانگ با نظام اجتماعی موجود را به همراه آورده‌اند، موجب تحولات سریع در برخی ابعاد جامعه شده‌اند. تجربه کشورهای دیگر نشان داده است که در نظر نگرفتن تبعات اجتماعی و فرهنگی مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی، نتیجه‌ها را با تغییرات ساختار اجتماعی در دهه‌های بعد نشان خواهد داد.

تغییرات ساختار اجتماعی

• اما مدیریت نظام اجتماعی حاکم در ایران، سرمست از اندکتحولات اقتصادی و نتایج مادی آن و بدون درنظرگرفتن پیامدهای فرهنگی و اجتماعی این تحولات، همچنان پرقدرت بر طبل اجرای این تغییرات میکوبد و نتایج کوتاهمدت اقتصادی را ارج مینهد و پیامدهای بلندمدت اجتماعی آن را در نمیابد؛ پیامدهایی که میتواند در آیندهای نهضنداز دور ایران را با چالشهاي مهمی از تنوع مسائل اجتماعی جدید روبرو کند